

تخریب ۶۴ خانه مجردي در تهران

طرح انقباض اجتماعی در بافت تاریخی منطقه ۱۲ با تخریب ۶۴ خانه مجردي اجرا می‌شود. با توجه به اینکه تاکنون در قالب این طرح، چند خانه تاریخی تخریب شده است، بیم آن می‌رود تا در میان آنها، خانه ارزشمند نیز باشد. روز ۱۳ خردادماه جلسه‌ای در قرارگاه انقباض اجتماعی برگزار شد که در آن مسئولان شهرداری تهران حضور داشتند. در این جلسه، هوشیار رئیس سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران گزارشی درباره جمع‌آوری معنadan و متکدیان ارائه داد. سپس مشاور و شهردار گزارشی درخصوص دستگیری خردپروشان و دستگیری افاتنه غیرمجاز و دستگیری معنadan ارائه کرد و از عدم تخصیص مراکز بازپروری برای نگهداری معنadan مرد و زن‌گله‌مند بود. کریمی در ادامه درخواست تخریب ۵۵ باب منزل مجردي بلاصاحب و ۹ باب دارای مالک را در سطح معنادهای خانه‌ها شد.اما تخریب ضمن بیان ضرورت و اهمیت اجرای این طرح نکاتی را ابلاغ کرد که به عنوان مصوبات منعکس شد.اما تخریب ۵۵ خانه مجردي بلاصاحب و ۹ خانه دارای مالک آن هم در محدوده منطقه ۱۲ موجب شده تا دوستانان میراث‌فرهنگی تهران و خیرنگاران نسبت به این موضوع حساس شده و با توجه به اقدامات اخیر شهرداری تهران در سالهای گذشته مبنی بر تخریب بافت تاریخی عودلاجان-بیم آن می‌رود که این خانه‌های تاریخی قرار گرفته در طرح تخریب و ساماندهی جزو خانه‌های دارای حرف‌های متناسف زیادی وجود دارد. معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران، به رسانه‌ها گفته که در صد هشتاد و نه درصد از این خانه‌ها، معنadan و خلافکاران حضور مسئولان انتظامی و فرهنگی و اجتماعی شهر تهیه هشتم دستورالعملی برای ساماندهی خانه‌های مجردي با حضور مسئولان انتظامی و فرهنگی و اجتماعی شهر تهیه شد. با تهیه این دستورالعمل خانه‌های مجردي به‌ویژه در منطقه ۱۲ ساماندهی و به‌پاسپون تبدیل می‌شوند، بنابراین هیچ تخریبی در مورد این خانه‌ها صورت نمی‌گیرد. امروزی درحالی اعلام می‌کند هیچ تخریبی انجام نمی‌شود، که سردار کریمی در خواست «تخریب ۵۵ خانه مجردي» را داده و به تصویب نیز رسیده است. پیش از این نیز شهرداری تهران در سالل ۸۴ حدود ۶ هکتار از بافت تاریخی عودلاجان را در قالب طرح ساماندهی شهرداری منطقه ۱۲ تخریب کرده بود. اسما در همان زمان حمید باقری، مشاور وقت شهردار منطقه ۱۲ با اظهار بی‌اطلاعی از میزان مساحت تخریب شده در عودلاجان، گفته بود: اسم این اقدام پیش‌ازری را تخریب عودلاجان نگذارید بلکه این اقدام پاسکاری از عودلاجان از ارفاد و اوباش بوده و شهرداری تنها اقدام به تخریب منطقه‌ای کرده که در خانه‌های مخروبه، معنadan و خلافکاران سکونت داشته‌اند. حالا با توجه به اینکه بسیاری از خانه‌های ارزشمند و تاریخی بافت تاریخی منطقه ۱۲ خصوص در محله عودلاجان در فهرست میراث ملی ثبت نیست، مهر نوشت: بیم آن می‌رود که در این طرح، صرفا تخریب خانه‌های مجردي مدنظر باشد. چراکه کمتر کسی به معماری آن توجه نشان می‌دهد. مانند خانه سه‌هنگ ابرج، خانه کوچ‌چه فیروزکوهی، خانه حاج‌رضا و حمام قوام‌الدوله که اکنون به خانه مجردي تبدیل شده‌اند.

تحلیل

پیرو طرح انقباض اجتماعی در ناحیه ۴ تهران، ۱۰ خانه فاقد ارزش تاریخی که صاحبی نداشتند تخریب شدند. این خانه‌ها از آنجا که به مراکز تجمع پرکار تبدیل شده بود، با مالکان آن به‌رمز اینکه بارها اعلام شد، بود که برای تعیین تکلیف این منازل مراجعه کنند، رجوع نکرده بودند به پاتوق افراد بی‌سرنهنگ تبدیل شده بود که این خود نشان‌دهنده این است که مالکی وجود نداشته است. تجمع افراد معنadan و لگردد در این خانه‌های قدیمی باعث ایجاد مشکلاتی در منطقه و برای سایر ساکنان شده بود که به دستور شهرداری این تخریب انجام شد. ساختمان‌ها که در محله هرندی ناحیه ۴ تهران واقع شده بود، ارزش تاریخی نداشتند و سازمان میراث‌فرهنگی نیز این نکته را تأیید کرده بود. از سوی دیگر تعداد ۶۴ خانه‌ای که عنوان شده در آن تخریب صورت گرفته، آن طور که شهردار ناحیه توضیح داد مربوط به افراد معنadan و پوهکار بوده که با دخالت نیروی انتظامی و ناجا این اتفاق افتاده است. به عبارتی دیگر در این طرح منزلی که بدون مالک بوده و محل تجمع این افراد شده بود در کنار منزلی که به تملک این افراد درآمده بود تخریب شد. بخشی که در این میان مطرح است این نکته است که آیا اسما این تخریب‌کار خوبی بوده می‌تواند کمکی به‌هافش معضل اعتیاد در کشور بکند یا خیر؟ در حالی که آسیب‌های اجتماعی در تهران به یک معضل همگانی تبدیل شده است در بافت مرکزی شهر و مناطقی که در شب دچار سوءرگدی می‌شوند، یعنی مناطقی که در شب بدون‌ترد، تمرکز مراکز تجاری تحرک و زندگی در آنها جریان دارد. این آسیب‌هایترخ خردنمای می‌کنند. در تاریکی شب‌ان افراد پوهکار و معناد مجال بهتری می‌یابند که از سکوت و تنهایی استفاده کرده و کارهای خرابکارانه خود را دنبال کنند. با وجود این، باید گفت شهرداری زمین‌های اقدام جندان مناسبی در این زمینه باشد. در گذشته هم ما تجربه شده‌ایم که در محله خاک سفید، بعد از تخریب، مساله اعتیاد از بین نرفت بلکه در مسیر نقاط نطف ایخش شد. برای حل معضلات اجتماعی راهکارهای زیربنایی لازم است. و البته شهرداری هم یک طرف این داستان است و در این مورد وظایفی دارد. در این مسئولان می‌بینند اقدامی را درگیرند و جلسات مشترک دارند. اما برخورد با پدیده‌ها باید کارشناسی باشد. وقتی مسئولان می‌بینند اقدامی گذشته بارها تکرار شده و اثر بخشی لازم را نداشته و نتوانسته مشکلی را برطرف کند، باید به سمت راهکارهای جایگزین باشند. در امر برطرف کردن مبارزه با آسیب‌های اجتماعی دستگاه‌های مختلف به فراخور وظایفشان وارد می‌شوند درحالی که کار کارشناسی و اصولی لازم است در این حوزه انجام شود. تجربه‌های موفقیت‌آمیز زیادی در داخل کشور در برخی شهرها و خارج از کشور در امر مبارزه با آسیب‌های اجتماعی وجود دارد که می‌توان از آنها استفاده کرد و با بومی کردن این تجربیات همه مناطق را از فواید آن منتفع ساخت. به هر حال باید گفت تخریب اماکنی که محل تجمع افراد معناد است شاید بتواند آن منطقه را از این افراد خالی کند. اما این بدان معنا نیست که این معضلات حل شده است. دستور اعتیاد، کارتن‌خوابی و هر آسیب اجتماعی دیگری که مسبب آن شده است، باید به این امکان پیابورند یا این اقدام در کل کشور و کل کشور بخش و مشکلات بیشتر می‌شود. بنابراین، باید به فکر راه‌حل اصولی بود و همانطور که عنوان شد، گولایی در این زمینه وجود دارد که می‌توان آنها را به کار بست.

تکرار تجربه تلخ خاک سفید احمد حکیمی پور*

پیرو طرح انقباض اجتماعی در ناحیه ۴ تهران، ۱۰ خانه فاقد ارزش تاریخی که صاحبی نداشتند تخریب شدند. این خانه‌ها از آنجا که به مراکز تجمع پرکار تبدیل شده بود، با مالکان آن به‌رمز اینکه بارها اعلام شد، بود که برای تعیین تکلیف این منازل مراجعه کنند، رجوع نکرده بودند به پاتوق افراد بی‌سرنهنگ تبدیل شده بود که این خود نشان‌دهنده این است که مالکی وجود نداشته است. تجمع افراد معنadan و لگردد در این خانه‌های قدیمی باعث ایجاد مشکلاتی در منطقه و برای سایر ساکنان شده بود که به دستور شهرداری این تخریب انجام شد. ساختمان‌ها که در محله هرندی ناحیه ۴ تهران واقع شده بود، ارزش تاریخی نداشتند و سازمان میراث‌فرهنگی نیز این نکته را تأیید کرده بود. از سوی دیگر تعداد ۶۴ خانه‌ای که عنوان شده در آن تخریب صورت گرفته، آن طور که شهردار ناحیه توضیح داد مربوط به افراد معنadan و پوهکار بوده که با دخالت نیروی انتظامی و ناجا این اتفاق افتاده است. به عبارتی دیگر در این طرح منزلی که بدون مالک بوده و محل تجمع این افراد شده بود در کنار منزلی که به تملک این افراد درآمده بود تخریب شد. بخشی که در این میان مطرح است این نکته است که آیا اسما این تخریب‌کار خوبی بوده می‌تواند کمکی به‌هافش معضل اعتیاد در کشور بکند یا خیر؟ در حالی که آسیب‌های اجتماعی در تهران به یک معضل همگانی تبدیل شده است در بافت مرکزی شهر و مناطقی که در شب دچار سوءرگدی می‌شوند، یعنی مناطقی که در شب بدون‌ترد، تمرکز مراکز تجاری تحرک و زندگی در آنها جریان دارد. این آسیب‌هایترخ خردنمای می‌کنند. در تاریکی شب‌ان افراد پوهکار و معناد مجال بهتری می‌یابند که از سکوت و تنهایی استفاده کرده و کارهای خرابکارانه خود را دنبال کنند. با وجود این، باید گفت شهرداری زمین‌های اقدام جندان مناسبی در این زمینه باشد. در گذشته هم ما تجربه شده‌ایم که در محله خاک سفید، بعد از تخریب، مساله اعتیاد از بین نرفت بلکه در مسیر نقاط نطف ایخش شد. برای حل معضلات اجتماعی راهکارهای زیربنایی لازم است. و البته شهرداری هم یک طرف این داستان است و در این مورد وظایفی دارد. در این مسئولان می‌بینند اقدامی را درگیرند و جلسات مشترک دارند. اما برخورد با پدیده‌ها باید کارشناسی باشد. وقتی مسئولان می‌بینند اقدامی گذشته بارها تکرار شده و اثر بخشی لازم را نداشته و نتوانسته مشکلی را برطرف کند، باید به سمت راهکارهای جایگزین باشند. در امر برطرف کردن مبارزه با آسیب‌های اجتماعی دستگاه‌های مختلف به فراخور وظایفشان وارد می‌شوند درحالی که کار کارشناسی و اصولی لازم است در این حوزه انجام شود. تجربه‌های موفقیت‌آمیز زیادی در داخل کشور در برخی شهرها و خارج از کشور در امر مبارزه با آسیب‌های اجتماعی وجود دارد که می‌توان از آنها استفاده کرد و با بومی کردن این تجربیات همه مناطق را از فواید آن منتفع ساخت. به هر حال باید گفت تخریب اماکنی که محل تجمع افراد معناد است شاید بتواند آن منطقه را از این افراد خالی کند. اما این بدان معنا نیست که این معضلات حل شده است. دستور اعتیاد، کارتن‌خوابی و هر آسیب اجتماعی دیگری که مسبب آن شده است، باید به این امکان پیابورند یا این اقدام در کل کشور و کل کشور بخش و مشکلات بیشتر می‌شود. بنابراین، باید به فکر راه‌حل اصولی بود و همانطور که عنوان شد، گولایی در این زمینه وجود دارد که می‌توان آنها را به کار بست.

*** عضو شورای شهر تهران**



رئیس سازمان زندان‌ها درباره‌بخش دوم این سریال که قرار است در محیط زندان ساخته شود،گفت: عوامل تولید این فیلم با ما صحبت کردند. درخواست داشتند بخش دوم سریال در محیط زندان باشد. کلیت کار مورد موافقت قوه قرار گرفته و به کمیته مربوطه ارجاع داده شده‌است که شامل اعضای معاونت فرهنگی و سازمان زندان‌هاست، چارچوب‌ها مشخص شده و درصورت توافق نهایی با همکاری قوه‌قضائیه این سریال ساخته می‌شود. دست و پاال آن‌ها را نباید بن‌بدم اما چارچوب‌ها و برخی حرم‌ها باید رعایت شود.صاغر جهانگیر همچنین درباره واگذاری ابرین گفت: انتقال زندانی و

موافقت با ساخت سریال «در حاشیه» در زندان

زندان‌ها تابع شرایطی است که زمان زیادی را طی می‌کند. تا این موافقت‌ها صورت گیرد یک پروسه ۳ تا ۵ ساله انجام می‌شود. او در پاسخ به این سؤال که برنامه سازمان زندان‌ها برای اعطای مرخصی به زندانیان در ماه رمضان چیست، اظهار کرد: سال‌های گذشته در شب‌های احیا مرخصی ویژه داشتیم که امسال هم با موافقت ریاست قوه اجرا می‌شود. در ایام مبارک از جمله ایستاتی که زندانیان در زندان می‌گیرند حفظ قرآن است که باعث می‌شود شرایط بسیار بهبود یابد.تسینم نوشت: جهانگیر همچنین درباره اعطای مرخصی عید فطر گفت: دستورالعمل اعطای این مرخصی هم آماده شده است و در زمان خودش آن را ارائه می‌کنیم.

آمدن تابستان برنامه زندگی بیش از ۱۶ میلیون دانش‌آموز و دانشجو را عوض می‌کند

تابستان خود را چگونه بگذرانیم؟

◆ اوقات فراغت زمان مناسبی برای ارتقای سطح مهارت دانش‌آموزان است

آرمان- زهرا سلیمانی: فراسردین فصل تابستان و تعطیلی مدارس برای کودکان و نوجوانان گذران اوقات شاد و لذت‌بخش را به دور از مدرسه و تکلیف آن در پی دارد. اغلب خانواد‌های ایرانی هر یک به فراخور شرایطشان برای نحوه گذران اوقات فراغت کودکان و نوجوانان برنامه‌های گوناگونی دارند، با وجود این، می‌توان گفت مفهوم گذران اوقات فراغت هنوز برای بسیاری از والدین و مربیان کشور روشن نیست و بیشتر آنها به جای در نظر گرفتن علایق کودکان و نوجوانان خواسته‌ها و آرزوهای تحقق نیافته دوران کودکی خود را به آنها پیشبند یا تحمیل می‌کنند. این امر کاملاً برخلاف مفهوم اوقات فراغت است که به انجام فعالیت‌های مورد علاقه کودکان تأکید دارد.



فضای شاد و افزایش نشاط است. یک کارشناس آموزش و پرورش درباره نحوه غنی‌سازی اوقات فراغت برای دانش‌آموزان در فصل تابستان به «آرمان» می‌گوید: با توجه به اینکه فضای آموزش کشور بعضاً کسالت‌آور است باید غرضی شود آیا امکان گذران اوقات فراغت برای بچه‌ها وجود دارد یا خیر؟ در مقطع متوسطی مسائل درسی هیچ ارتباطی با محیط زندگی دانش‌آموزان ندارد و این امر باعث بروز حس نارضایتی بین معلمان و دانش‌آموزان شده است، محمدرضا نیک‌نژاد می‌افزاید: اغلب دانش‌آموزان با وجود چنین شرایطی برای اتمام سال تحصیلی و آغاز تعطیلات تابستانی لحظه‌شماری می‌کنند. به گفته او قبل از هر اقدامی در زمینه غنی‌سازی اوقات فراغت باید با ایجاد محیط‌های شاد و مفرح برای دانش‌آموزان و تغییر تحولاتی بود. به گفته دولت‌آبادی این رویکرد در فضای آموزش جندان تمرینش نیست و باید با افزایش فضای آموزش مجوز، همراه به راه فریج، شادی و افزایش مهارت‌های اجتماعی در پی ایجاد نشاط و علاقه برای حضور دانش‌آموزان به مدارس بود.

فضای آموزشی دچار رخوت شده است

برگزاری اوقات فراغت در مدارس منوط به ایجاد

۱۰ سال دیگر بیش از ۱۵ میلیون سالمند داریم

سورفتار با سالمندان؛ مساله امروز و فردا

جمعیت عقبن رو به سالمندی است و ایران نیز از این قافله غناب نیست. سونامی خاموش سالمندی در راه است و آمادگی مواجه با این پدیده همچنان نایزمد عزمی ملی و همگانی است. آمارها حاکی از آن است که اکنون هفت درصد جمعیت کشور سالمند شناخته می‌شوند. و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۰، جمعیت سالمند کشور به بیش از ۱۵۵ میلیون نفر برسد؛ شرایطی که بی‌تردید توجه‌بیش از پیش به مقوله سالمند سالم و فعال» را می‌طلبد. از طرفی هم توسعه روند شهرنشینی و صنعتی شدن جوامع، متأسفانه رفیعیات نامیون به نام افزایش خشونت را به دنبال داشته و با ابر از تاسف مردم باید گفت که سالمندان هم از این خشونت‌ها مصون نمانده‌اند؛ هرچند که بیان سورفتار با سالمندان بسیار کمتر از خشونت علیه سایر گروه‌ها نظیر کودکان و زنان صورت می‌گیرد. حال‌که با تمرکز بر ارتقای شاخص‌های بهداشتی در حوزه سلامت، افزایش سن امید به زندگی را دنبال می‌کنیم، سوال این است که با چه هدفی خواهد انضامی عمر جمعیت کشور هستیم و رفیعیات تهران با اشاره شدن جوامع برای رویمرو شدن با نیازهای سالمندی و پاسخ گفتن به نیازهای آنها به‌ویژه نیازهای عاطفی و اجتماعی چیست؟ رئیس انجمن پزشکی –اجتماعی و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران با اشاره به ضرورت آگاه‌سازی جامعه نسبت به سورفتار با سالمندان، درباره روند رو به رشد جمعیت سالمند در کشور و همچنین میزان سورفتار با آنها گفت: میزان سورفتار در سالمندان نسبت به کودکان و زنان کمتر است، اما این به معنای کم بودن آمار این موضوع و عدم ضرورت توجه به آن نیست. بهزاد دماری، رشد پدیده سالمندی در کشور را مورد اشاره قرار داد و گفت: در روند افزایش جمعیت سالمندان از حدود چهار درصد تا ۳۰ درصد آگشته به حدود ۷/۲۶ تا سال ۱۳۹۰ رسیدیم. اما در این روند، تا سال ۱۴۰۵، ۱۵۵ میلیون نفر از مردم سالمند خواهند بود.او در تعریف سن سالمندی ادامه داد: سنین بالای ۶۵ سال سالمند خوانده می‌شوند.

در طبقه‌بندی سازمان ملل متحد جامعه‌ای که نسبت جمعیت سالمندانش بالای هفت درصد باشد، سالخورده محسوب می‌شود. این متخصص پزشکی – اجتماعی افزایش خشونت در دنیا طی دو دهه گذشته را مورد اشاره قرار داد و گفت: باید دید که آیا ما برای سالمندان محیط امنی را ایجاد کرده‌ایم؟ روند آهسته‌رندگی سالمندان نیز عضو ضیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، گفت: تحقیقات نشان داده است که میزان زوال عقل و افسردگی در سالمندان با سورفتار افزایش می‌یابد. مهم‌ترین بیماری اختلال روانی در سالمندان افسردگی است که یکی از عوامل خطر خودکشی در مسجوب می‌شود. در استان‌های مختلف به تناسب جمعیت سالمند آن استان، میزان آن سورفتار نیز پیش‌بینی شده است؛ مثلاً استان‌های گیلان، کرزی، خراسان جنوبی و آذربایجان شرقی با حدود ۸ تا ۷ درصد، بیشترین میزان سالمند را دارند. کم‌ترین میزان نیز مربوط به استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بوشهر است. حدود ۱۷هزار سالمند نیز توسط سازمان‌به‌زیستی نگهداری می‌شوند.

گشت تعزیرات در کارخانه آلیموسازی



برندهای آن انجام شده است بیش از پیش مورد توجه شهروندان و مسئولان قرار گرفته است، چند روز پیش بود که سازمان تعزیرات حکومتی از ممنوعیت عرضه آلیموهای دست‌چین خبر داد. آلیمویی دست‌چین که با چند برند وارد بازار می‌شد حاوی مواد شیمیایی مضر می‌بودند که برای سلامت زیباتر تشخیص داده شدند. کارشناسان حتی اعلام کردند این نوع آلیمو برای محیط زیست خطر دارد. به‌دنبال افشای این تخلف آلیموسازان زیر ذره‌بین قرار گرفته‌اند.



ایرنه امیرحسن بندی

گشت مشترک سازمان تعزیرات حکومتی و کارشناسان دانشگاه علوم پزشکی تهران به‌صورت سرزده در چند کارخانه آلیموسازی انجام شد. بازرسان سازمان تعزیرات حکومتی در این گشت مشترک، چند کارخانه آلیموسازی در استان تهران را بدون اطلاع قبلی بازدید و کارشناسان دانشگاه علوم پزشکی تهران از محصولات این کارخانه‌ها نمونه‌گیری کردند. آلیمو یک محصول غذایی است که در روزهای اخیر با افشای تخلفی که در ساخت برخی از

هم‌زمان با روز جهانی «اهدای عضو» مطرح شد

مرگ روزانه ۷ تا ۱۰ نفر به دلیل نرسیدن عضو پیوندی

قائم‌مقام رئیس اداره پیوند وزارت بهداشت گفت: سالانه در ایران ۸ تا ۱۰ هزار نفر به دلیل مرگ مغزی فوت می‌کنند و فقط حدود ۷۰۰ نفر از آنها به اهدای عضو می‌رسند و ۷۵۰ هزار بیمار نیازمند به عضو، روزانه ۷ تا ۱۰ نفر به‌دلیل نرسیدن عضو پیوندی می‌میرند. امیدقلی همدان با بیان اینکه روز جهانی اهدای عضو پیوندی ۲۰۰ هزار نفر به‌دلیل مرگ مغزی فوت می‌کنند که از این تعداد ۲۵۰۰ تا ۴۰ هزار نفر ارگان‌هایشان کیفیت لازم را برای اهدای عضو دارند. او ادامه داد: تاکنون تا نصف اهدای حدود ۷۰۰ نفری از افرادی که مرگ مغزی شده‌اند به اهدای عضو می‌رسند و این مساله به دلایل مختلفی رخ می‌دهد که مهم‌ترین آن عدم رضایت کافی خانواده‌هاست و همچنین نرسیدن هم‌زیمی دلایل هم ضعیفی است که منور در فرهنگ‌های مسجوب‌ترین دلایل قیادی گفت: در کشور حدود ۲۵هزار بیمار نیازمند به عضو حیاتی داریم، عضوهای حیاتی شامل کلیه، کبد، قلب، ریه،لوزالمعده و روده است که اگر کسی این اعضا را نداشته یا توان عملکرد آنها را داشته باشد منجر به فوت می‌شود. قائم‌مقام رئیس اداره پیوند وزارت بهداشت افزود: به جز عضو کلیه که ۲ درمان‌ت جایگزین نیز دپایلی و پیوند از فرد زنده را دارد مابقی نیازمندان به اعضا فقط پیوندشان درگرو پیوند عضو این امر است. افرادی است که مرگ مغزی شده‌اند. او تصریح کرد: در کشور روزانه ۷ تا ۱۰ نفر از این ۲۵ هزار بیمار نیازمند به نرسیدن عضو پیوندی فوت می‌کنند.

مرگ مغزی نوعی مرگ است

قیادی گفت: آمار اهدای عضو در سال ۸۴ حدود ۵ درصد بسود که با بررسی‌های انجام‌شده به این نتیجه رسیدیم‌که از نظر تکنولوژی در مراشد عضو و متخصصان پیوند کمبودی نداریم و مردم نوعولوسی هم داریم به همین دلیل جای تعجب داشت که چرا اهدای عضو در کشور تا این حد پایین است دلیل آن با بررسی‌های انجام شده عدم آگاهی کامل از مرگ مغزی و اینکه خانواده‌ها باور ندارند که مرگ مغزی نوعی مرگ محسوب می‌شود.او افزود: در پزشکی دو نوع مرگ داریم مرگ قلبی که بالغ بر ۹۰ درصد مرگ‌هاست و مرگ مغزی که کمتر مردم با آن آشنا هستند. این نوع مرگ کمتر است. مرگ مغزی ها ن تشکیل می‌دهند به همین دلیل در سال ۸۴ کمیته‌ای برای فرهنگسازی و اهدای عضو تشکیل دادیم که تعاملات مختلفی با سازمان‌های درگیر داشته‌ایم.

عکس خبری



گزارش اجتماع

یادداشت

شهریار عدل خادم جدی میراث فرهنگی

روز گذشته اخیر شدم که پروفیسر شهریار عدل، باستان‌شناس پیشکوت در اثر استادی قلمی در پاریس درگذشته است. شهریار عدل متولد ۱۲ بهمن ۱۳۱۲ شمسی در تهران بود. او تحصیلات ابتدایی و سه سال نخست دبیرستان خود را در تهران گذراند و از سال ۱۳۳۸ شمسی برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. او تحصیلات دانشگاهی خود را در مدرسه عالی علوم تاریخی در سوربن ادامه داد و هم‌زمان تاریخ عمومی هنر، باستان‌شناسی مشرق‌زمین و تاریخ هنرهای دوره اسلامی را در مدرسه موزه لوور ادامه داد.او به مدرسه معماری پاریس–بوزوراز نیز رفته. پس از آن دکتری خود را در رشته تاریخ ایران و آسیای‌میانه گرفت. موضوع رساله وی «فتوحات همایون» بود که تاریخ جنگ‌های شاهعباس از سال ۱۷۰۷ هجری در خراسان و فتح هرات است. در ۱۳ مهر ۱۳۳۸ مقر سازمان یونسکو در پاریس و هم‌زمان با آغاز تشکیل مجمع عمومی سالانه کشورهای عضو یونسکو دبیرکل یونسکو مدال فرهنگ جهانی این سازمان با نام «پنج قاره» را به پروفیسر شهریار عدل اهدا کرد. پروفیسر شهریار عدل فرد بسیار توانمندی بود ایشان عضو CNRS فرانسه که مهم‌ترین مرکز پژوهشی در کشور است، بود. موضوع پژوهش‌های ایشان ایران و به ویژه آثار دوران اسلامی در ایران بود. فعالیت‌های عمده‌ای که در عرصه باستان‌شناسی داشت مربوط به حفاری‌های رسی، بساطم، خراسان، روزن، هرات و بلخ بود که ایشان مشارکت جدی در حفاری‌های این مناطق داشت. به‌ویژه زمانی که در بم زلزله رخ داد پروفیسر عدل نقش مهمی در بررسی و شناسایی آثار قلمرو طبیعی‌هم داشتند و مطالعاتی که ایشان داشتند نقش مهمی در شکل‌گیری پرونده‌ثبت جهانی بم ایفا کرد. البته فعالیت ایشان فقط به این زمینه‌ها معطوف نبود. در سال ۵۸ با ابتکار و هزینه خودش اولین میراث ایرانی را ثبت جهانی کرد. آثاری مانند تخت جمشید، چغازنبیل و مدین نقش جهان آثاری بودند که توسط او در فهرست میراث جهانی ثبت شدند. در اواخر دهه ۷۰ که دفتر ثبت میراث جهانی مجدداً فعال شد، او درباره نقش مهمی در ثبت میراث‌فرهنگی در آن موقع داشت. یکی از تخصص‌های مهم او در زمینه هنر دوران اسلامی بود و کارهای خیلی ارزنده‌ای در این زمینه انجام داد. از جمله کارهای خیلی مهم او در زمینه تاریخ عکاسی بود که در کاخ گلستان مطالعاتش را انجام داد. عدل همچنین در زمینه فیلم و اولین فیلم‌هایی که در ایران ساخته شده است کار خیلی ارزنده‌ای انجام داده است. از جمله فیلم‌هایی که در تالار فیلم‌خاک گلستان پیدا شد توسط ایشان مورد شناسایی و بررسی و مرمت قرار گرفت و او با این دست‌ها که در فهرست جهانی از این فیلم‌ها به همت ایشان به نگارخانه فرانسه فرستاده شدند و مراحل مرمت آنها در حال اجراست. شهریار عدل یک پای اصلی فعالیت‌هایی بود که در حوزه میراث‌فرهنگی صورت می‌گرفت و فعالیت‌هایی در تدوین و ارتقای این برنامه‌ها ایفا می‌کرد. او فقط با حوزه خودش که باستانشناسی و ارتباط داشت بلکه با تمام کارشناسان حوزه مرمت، تاریخ معماری و حوزه‌های دیگر ارتباطات خیلی عمیق و جدی داشت. هر جا ما گیر می‌کردیم، مرحوم عدل یاری بود و کمک می‌کرد مشکلات حل شوند. فقدان ایشان برای میراث‌فرهنگی کشور بسیار دردناک و تلخ است و شاید به راحتی نشود کمبودش را جبران کرد. اگر به‌طور خلاصه بخوایم گویم که نقش پروفیسر عدل چه بود باید گویم او مصداق اصلی خادم میراث‌فرهنگی ایران بود. ویژگی‌های شخصیتی که باعث می‌شد او در کار خود این همه موفق باشد از ارتباط صمیمانه‌ای بود که داشتست او خوش‌طبع بود در عین اینکه در کار علمی بسیار دقیق بود. صمیمی و مهربان بود و با آنهامه ارتباط برقرار می‌کرد و با طزنی که داشت فضای تلخ را نطفیف می‌کرد اما در کار خودش بسیار جدی و مشوکتاف بود. این ویژگی‌ها باعث می‌شد که به لحاظ انسانی ارتباطات وسیعی را با دیگران برقرار کند و هم اینکه به لحاظ علمی کسی در محاکم و صحت آرای او شک نداشته باشد و آرای ایشان را پذیرا باشند. با همکاری خانواده ایشان قرار است پیکر پروفیسور به ایران منتقل شود. برای انتقال پیکر ایشان تلاش‌های لازم در حال انجام است و به محض انتقال پیکرشان به ایران مراسم‌هایی برای برگزاریثبت ایشان برگزار می‌شود. فعالیت‌ها ووشن علمی این پیشکوت باستان‌شناسی می‌تواند برای فعالان این حوزه گفراز گیرد و در بسیاری موارد در باستان‌شناسان جوان راه او را برنود می‌توان به حل مشکلاتی که در این حوزه وجود دارد امیدوار بود.

*** رئیس پژوهشگاه میراث‌فرهنگی**

دیدگاه

جامعه‌شناسی فردیت

فردیت به معنای تشخیص فردی و احترام به موازین حقوقی هر شخص و همچنین به رسمیت شناختن آزادی‌ها و تفاوت‌های وی در تمام عوممی است. در جوامعی که تصور عمومی بر این است که حوزه افراد باید به‌طور گسترده، همگانی و شبیه به یکدیگر بیندیشند، رفتار کنند و تصمیم بگیرند، عنصر تفاوت‌پذیری که نشانه فردیت هر فرد در جامعه تلقی می‌شود، به راحتی پذیرفته نخواهد شد. در این نوع فرهنگ، متفاوت بودن که نشانه بارز فردیت است چندان به چشم نمی‌آید. بنابراین، افراد آریه را به هیچ وجه نخواهد پذیرفت. حال اگر کسی پیدا شود که بخواهد متفاوت ببیند، تحلیل کند، رفتار کند و بیندیشد، عرف و وجدان جمعی جامعه را آشفته ساخته و در نهایت از سوی دیگران نفی و طرد خواهد شد. در چنین شرایطی فردیت تعظیم شده عرف از انسان‌ها انتظار دارد از طریق یک جامعه پذیری مناسب، یکدست و یکسان همگان مانند هم از اصول جا افتاده رفتار کرده و کسی به زعم خود مخالف نژند. در جامعه‌ای که فردگرای به رسمیت شناخته می‌شود فردیت، شکوفایی شخصیت، استعداد و در نهایت توسعه‌یافتگی انسانی وجود دارد. اما غیر این صورت تمام این عوامل تعطیل می‌شود و همگان بی‌چون‌وچرا قدم بر جای پای گذشتگان می‌نهند و در این راه نیازی به زحمت کشیدن، تکاپو برای آگاهی و رقابت نیست. در جامعه‌ای که به فردیت افراد احترام گذاشته شود و آن را به رسمیت بشناسند، همگان حول مرکزیت قانون جمع خواهند شد و آنجا می‌توانند پیش‌رونده قانون اجازه می‌دهد. در این بین فضایی ایجاد می‌شود که هرکس آزادانه می‌تواند با هر نوع اندیشه‌ای به رقابت با دیگری وارد شده و جامعه‌ای با معرکه آراء، رقابت و تلاش شکل خواهد گرفت. اگر فردیت شخص و متفاوت بودن اشخاص بر اثر نگاه و قضاوت عرف دلبده گرفته شود، افراد به ناچار اندیشه و افکار خود را بروز نمی‌دهند و فرهنگ پنهان‌کاری، فقدان صراحت و شخصیت چندقطبی در جامعه رشد خواهد کرد. سرکوب فردیت، اعتماد متقابل میان افراد جامعه را به بر تگاه بی‌اعتمادی، بی‌هویتی و از خودبیگانگی سوق می‌دهد. اگر افراد آریه را که هستند، می‌اندیشند و در نظر دارند نتوانند برای دیگری فاش کنند و از این اظهارنظر فردی هراس داشته باشند، تبدیل به ابزاری خواهد شد که نهی از هر شخصیت و اندیشه شخصی است. افراد جامعه در این نوع ساختار و در این فرهنگ قوام یافته، همیشه در حال نزدیک کردن خود به کارون و مرکزیت عرف و قدرت هستند. زیرا خوب می‌دانند با نزدیک شدن و هم‌رنگ جمع شدن و چشم فرو بستن بر تفاوت‌ها و لب دوختن از هر اظهارنظر متفاوتی نسبت به جمع، می‌توانند بدون هیچ زحمتی و فقط با کمی تملق و اظهار تعلق راه خود را هموار کنند.

*** پژوهشگر مسائل اجتماعی**